

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

ما در این بخش می‌خواهیم سه کار انجام دهیم یکی با تقسیمات تعارض آشنا شویم. در پژوهش بعد از مفهوم شناسی می‌گویند باید تقسیمات آن نهادی که می‌خواهند بررسی کنند بیان شود.

کار دوم که خود بخود صورت می‌گیرد مصداق شناسی تعارض است کار سوم هم آشنا شدن با یک سری مصطلحات مثل تخصیص و تخصص و حکومت و ورود و ... آیا ما در مبحث اول به این امور نپرداختیم؟

ما در تعریف تعارض بیان کردیم که تعارض تقسیم می‌شود به جایی که جمع عرفی ممکن است و جایی که جمع عرفی ممکن نباشد. یا گاهی علی وجه الحقیقه متعارض هستند و گاهی بالعرض چنانکه در ضمن این بحث‌ها مصداق شناسی هم خیلی روشن شد اما فراموش نکنید که مبحث اول اهتمام اصلی ما در مفهوم شناسی بود ولی مجبور شدیم این بحث‌ها را بیان کنیم اما مقصد اصلی نبود بلکه استطراد بود اما در این جا بحث اصلی است لذا خیلی از تقسیمات این جا بیان می‌شود که در بحث گذشته بیان نشد چون نیازی به آن‌ها نبود. همچنین مصداق‌های تعارض. چند نهاد داریم که در فقه خیلی به کار می‌آید ولی مختص به فقه نیست بلکه در کل معارف به کار می‌آید مثل همین حکومت و ورود که باید مورد بحث واقع شود. ما در سال گذشته به این بحث ورود کردیم و مطالبی را بیان کردیم ولی آن بحث اصلی نبود بلکه استطرادی بود و جای این بحث این جا است نه آن جا.

### تقسیمات تعارض:

یکی از تقسیمات مشهور تعارض تقسیم تعارض به مستوعب و غیر مستوعب است. مستوعب یعنی فرارگیر و منظور از تعارض مستوعب تعارضی است که دو دلیل سرتا پا باهم تعارض داشته باشند مثلا یکی می‌گوید صلاة الجمعة واجبة یکی می‌گوید صلاة الجمعة حرام. ثمن العذرة سحت و ثمن العذرة لیس بسحت. و منظور از تعارض غیر مستوعب تعارضی است که در آن دو دلیل تعارض دارند ولی خیلی موارد هم با هم کاری ندارند. مثل اکرم العلماء و لا تکرم الفساق. خیلی از علما فاسق نیستند و خیلی از فاسق‌ها عالم نیستند و در این موارد دو دلیل تعارضی ندارند و فقط در ماده‌ی اجتماع باهم تعارض دارند. این تقسیم را همه قبول دارند اما اینکه آیا تعارض مستوعب و غیرمستوعب حکم واحد دارند یا نه اختلاف شدید است.

راجع به اینکه اینها یک حکم دارند یا حکمشان مختلف است محل بحث است. مرحوم امام خمینی در اینجا خوب وارد شده است و مطالب خوبی بیان می‌کند لذا متن ایشان را ما در اینجا می‌آوریم. برخی گفته‌اند که در تعارض مستوعب که تباین باشد ما باید از اخبار علاجیه استفاده کنیم یعنی اخباری که می‌گفتند اگر دو خبر تعارض کردند شما مخیرید و برخی از اخبار می‌گوید اعمال مرجح کن و برخی از اخبار می‌گوید توقف کن. البته اصل اولی در تعارض تساقط است. در تعارض دو حجت همدیگر را تکذیب می‌کنند و اذا تعارضا تساقطا. برخی گفته‌اند اگر تعارض

مستوعب باشد اخبار علاجیه می آید، اگر تعارض عام و خاص من وجه باشد دیگر اخبار علاجیه نمی آید و باید سراغ اصل اولی که تساقط است برویم. مرحوم امام خمینی می گوید: «الناظر فی اخبار الباب (یعنی همان اخبار علاجیه) معتقد می شود که محط سوال و جواب بین امام و اصحاب هو الخبران المختلفان بجمیع المضمون (مستوعب) پس عامان من وجه خارج می شوند از این اخبار فلا بد فی مورد تعارضهما من الرجوع الی القاعده (که همان تساقط باشد).»

مشهور وقتی دو روایت عام و خاص من وجه باشد می گویند اگر متکافئین بودند یعنی مزیتی هیچ کدام بر دیگری نداشت قائل به تساقط می شویم و نگفته اند که قائل به تخییر می شویم با اینکه مقتضای ادله ی علاجیه تخییر است ولی اگر متکافئین نبودند آنی که مزیت دارد می گیریم (یعنی سراغ اخبار علاجیه رفته اند) و این یک مقداری کار مشهور را مشکل می کند.

اگر عام و خاص من وجه از اخبار علاجیه خارج باشد چه متکافئان باشند چه غیر متکافئان باشد باید بگوییم تساقط و المتعارضان اذا تعارضا تساقطا هم برای متکافئان است و هم برای غیر متکافئان. ولی مشهور در عام و خاص من وجه اگر متکافئان باشند سراغ اصل اولی یعنی تساقط می روند و سراغ اخبار علاجیه نمی روند ولی اگر یکی بر دیگری مزیت داشته باشد به جای تساقط قائل به ترجیح ذی المزیة بر فاقد مزیت می شوند.

به نظر ما این ادعا که بگوییم ظاهر اخبار علاجیه خبران متعارضان به جمیع مدلولهما است که نظر امام خمینی بود این مثبت ندارد.